

مقام خاتمیت؛ مهر پایانی بر نبوت

یکی از والاترین مقامات پیامبر اعظم (ص) که قرآن کریم بر آن تأکید می‌ورزد، مقام «خاتمیت» است. خداوند در آیه ۴ از سوره احزاب می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ... وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَكَانَ... بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا». محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است، و خدا به هر چیزی داناست. خاتمیت به این معناست که پیامبر اسلام (ص)، نه تنها آخرین پیامبر از نظر ترتیب زمانی بلکه مهر پایانی و تکمیل کننده سلسله نبوت است. همان گونه که خاتم (انگشت) در پایان و برای مهر و موم کردن یک نامه قرار می‌گیرد، وجود مبارک ایشان نیز پایان بخش و کامل کننده رسالت های آسمانی پیشین است. این مقام، نشان دهنده کمال دین اسلام و بی نیازی بشر تا قیامت از آمدن پیامبری دیگر پس از ایشان است. این آیه تنها آیه ای است که هم نام پیامبر و هم رسالت ایشان را در قالب دو عنوان ذکر کرده است: «مُحَمَّدٌ...» و «خَاتَمُ النَّبِيِّينَ».

پاسخ چند سؤال:

- چرا پس از اسلام، انسان ها به پیامبر جدید نیاز ندارند؟ دلیل اصلی تجدید نبوت ها و آمدن پیامبران جدید، دو چیز بوده است: یکی تحریف دین سابق، به گونه ای که از کتاب خدا و تعالیم پیامبر پیشین، امور بسیاری تحریف شده باشد و دیگری، تکامل بشر در طول تاریخ که مقتضی نزول قوانین جامع تر و کامل تر بود. اما پس از پیامبر اسلام، این دو امر واقع نشده است؛ زیرا اولاً قرآن، بدون آنکه کلمه ای از آن تحریف شود، در میان مردم باقی است و ثانیاً جامع ترین و کامل ترین قوانین در آن مطرح شده است و براساس علم خداوند، تا روز قیامت هیچ نیازی برای بشر نیست، مگر آنکه کجاست در اسلام بیان شده است.
- چگونه نیازهای متغیر انسان با خاتمیت دین، سازگار است؟ پاسخ: انسان در مراحل تحصیلی خود تا درجه اجتهاد و دکتری به استاد نیاز دارد. پس از آن به مرحله ای می‌رسد که می‌تواند بدون استاد، نیازهای خود را از مطالبی که آموخته است، به دست آورد. باب اجتهاد باز است و می‌توان قوانین مورد نیاز را از قواعد کلی استنباط کرد؛ البته براساس اصولی که فقها برای استخراج احکام تدوین کرده اند.
- چرا رابطه بشر با عالم غیب، قطع شد؟ پاسخ: وحی نازل نمی‌شود ولی رابطه با غیب همچنان باقی است. امام معصوم (ع) حضور دارد و فرشتگان الهی بر او نازل می‌شوند. امداد های غیبی به انسان های شایسته می‌رسد. حتی طبق آیات قرآن، افراد عادی اگر متقی باشند، نور الهی پیدا می‌کنند و خداوند راه حق را به نحوی به آنان نشان می‌دهد.

اسلام؛ دین مهرورزی و خاموش کننده کینه ها

یکی از زیبایی های دین اسلام، تأکید بر مسالمت، دوستی و مهرورزی است. ما آمده ایم تا سینه ها را از کینه خالی کنیم و دوستی را بگسترانیم؛ البته همان گونه که به دیگران ظلم نمی‌کنیم، ظلم را نیز نمی‌پذیریم. این اصل، نه تنها در روابط فردی، بلکه در جوامع بزرگ نیز جاری است و ما را به سوی صلح پایدار هدایت می‌کند؛ جایی که عدالت و مهریانی دست در دست هم می‌دهند. این ویژگی، یکی از خصوصیات بارز پیامبر اسلام (ص) بود که خداوند و جود او را فروشنده آتش کینه ها و دشمنی ها قرار داد. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به عنوان نزدیک ترین فرد به پیامبر (ص) در خطبه ۹۶ نهج البلاغه، ضمن بیان پرکات و جودی پیامبر اکرم (ص)، می‌فرماید: «ذَقْنِ... يَه الصَّغَائِنَ وَ اَظْلَقَا يَه التَّوَاتُرَ» یعنی: «خدا به برکت وجود او کینه ها را دفن و آتش دشمنی ها را خاموش کرد».

در این بخش از خطبه، حضرت به بخشی از برنامه های اجتماعی پیامبر اشاره می‌کند. این موضوع، کاملاً درس آموز است و ما باید تلاش کنیم در این صفت راهگشا، خود را شبیه پیامبر سازیم تا پیرو واقعی او باشیم و به شفاعتش در قیامت دست یابیم. این آموزه ها، نه تنها در عصر پیامبر، بلکه امروز نیز در برابر چالش های جهانی مانند درگیری های قومی و مذهبی، ما را به وحدت و همدلی سوق می‌دهند. با الگوبری از سیره نبوی، می‌توانیم جوامعی بسازیم که کینه ها جای خود را به محبت دهند و صلح واقعی حاکم شود؛ زیرا اسلام، نه فقط دینی فردی، بلکه راهنمایی برای زندگی اجتماعی مسالمت آمیز است.

داستانی از جنس شجاعت و کشف حقیقت

کودکان و نوجوانان سرمایه های ارزشمند جامعه اند؛ دل هایی پاک و ذهن هایی پرسشگر که به سرعت از محیط پیرامون تأثیر می‌پذیرند. هر اندیشه یا جریانی که بتواند با زبان ساده و جذاب با این گروه ارتباط برقرار کند، فرصت بیشتری برای نفوذ در باورهای آنان خواهد داشت. در چنین فضایی، آشناس کردن نسل جوان با تاریخ، ارزش ها و تجربه های سرزمینشان، به آنان کمک می‌کند تا در برابر سردرگمی ها و تبلیغات گوناگون، انتخابی آگاهانه داشته باشند. رمان «دشت صاعقه» تلاشی است در همین مسیر. این کتاب، بخشی از رویدادهای تاریخ معاصر ایران را با زبانی داستانی و پرکشش برای نوجوانان روایت می‌کند. نویسندگان با بهره گیری از تخیل، قصه ای پرهیجان می‌آفرینند که ریشه در رخداد های واقعی دهه ۱۳۲۰ در ابرقوی یزد دارد.

شخصیت های اصلی، نوجوانانی شجاع و کنجگاو هستند که در دل مأموریتی رازآلود قرار می‌گیرند؛ مأموریتی که هر گام آن فرصتی است برای شناخت خویش، روبرویی با ترس ها و تجربه

مسئولیت پذیری.

«دشت صاعقه» فقط شرح یک حادثه تاریخی نیست؛ این رمان تلاشی است برای پیوند دادن گذشته با دغدغه های امروز نوجوانان. خواندن آن، ذهن جوان را به اندیشیدن دعوت می‌کند و او را به کشف لایه های کمتر دیده شده تاریخ و جامعه ترغیب می‌سازد. مطالعه چنین آثاری، می‌تواند پلی میان تجربه نسل های پیشین و نگاه تازه نسل امروز بسازد.

«دشت صاعقه» با روایت گرم و زبانی روان، به خانواده ها، مربیان و همه علاقه مندان به پرورش تفکر انتقادی در نوجوانان، منبعی ارزشمند برای گفت وگو و همراهی در مسیر رشد فکری ارائه می‌دهد.

راهکارهای جلوگیری از خود محوری و استبداد رأی در کلام رسول خدا (ص)

چشم‌هایت را به من قرض بده!

سمانه رضوانی | تجربه اینکه بین دوراهی یک ماجرا مانده ایم، برای همه ما پیش آمده است و گاهی دلت می‌خواهد به بقیه بگویی چشمت را به من قرض بده تا با دشمنان دیگری هم به این قضیه نگاه کنم و زوایای مسئله را بهتر ببینم. مشورت کردن یعنی همین؛ پیدا کردن راه حلی که تنهایی رسیدن به آن کار سختی است. در این گزارش این موضوع مهم را در معارف نبوی به بررسی نشسته ایم.

گزارش

چند پیراهن بیشتر پاره کرده است

از قدیم و ندیم مثل معروفی هست که می‌گوید فلانی چند پیراهن از تو بیشتر پاره کرده است، یعنی تجربه زیست و زندگی اش بیشتر است؛ یعنی در شرایط مختلف قرار گرفته و تصمیم های خوب و بدی گرفته -یا تصمیم های خوب و بد دیگران را عاقبتش را دیده است. این طور آدم ها برای مشورت قابل اعتماد ترند. یکی از فواید مشورت، همین است که از تجربه دیگران استفاده کنیم. حدیث حضرت رسول اکرم (ص) هم بر این مسئله تأکید می‌کند: «اسْتَشِرِ الْجَزَاءَ فَإِنَّهُمْ يُعْطُونَكَ مِنْ رَأْيِهِمْ جَمِيلًا، با افراد با تجربه مشورت کن، زیرا آنان از رأی و نظر خود به تو می‌بخشند.»

سپری در مقابل پشیمانی

مشورت کردن خوب است، خیلی هم خوب، ولی نه اینکه همین طور که داری در خیابان با عجله می‌روی، یقه مردم را بگیری که نظر تو برای این کار چیست و چه کار کنم، بهتر است؟ نه. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْعُقُولِ وَفَى نَفْسَهُ مِنَ التَّدَامَةِ وَالشَّوْءِ، هر که با خردمندان مشورت کند، خود را از پشیمانی و بدی مصون داشته است». بگردید فرد خردمند پیدا کنید و بعد، هم فکری بخواهید. نظر خواستن از دیگران، وقتی مفید است که طرف مقابلت، اهل فکر و علم باشد، یعنی مشورت، می‌شود همچون سپری که در این شرایط و با این اشخاص، آدم را پشیمان نمی‌کند و به این نقطه که «این چه کاری بود کردم؟»، نمی‌رسی.

جراغی در تاریکی

فکر کنید در یک اتاق تاریک گیر افتاده اید؛ ظلمات مطلق، خودتان را به در و دیوار می‌زدید که روزنه نوری پیدا کنید تا از این وضعیت نجات پیدا کنید. خدا خدا می‌کنید که کسی یا چراغی سر برسد و تاریکی تمام شود. مشورت کردن با آدم، درست حکم همین چراغ را دارد در ذهن ما. انگار نوری می‌تابد تا بهتر ماجرا را ببینیم. حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: «مَا اسْتَشَاءَ مُسْتَشِئٌ بِظُورِ الْعَقْلِ كَمْشَاوَرَةَ ذَوِي الْهَيْئِ، هیچ روشنایی ای با نور عقل، همچون مشورت با صاحبان خرد، درخشان نیست.» هم فکر خودت هست، هم فکرها ی دیگران؛ همین باعث می‌شود شرایط را بسنجید و ابعاد مسئله را راحت تر ببینید و تصمیم بهتری بگیرید.

مشورت کنید تا مستبد نیاشید

آدم مستبد فقط کسی نیست که فلان پست سیاسی را دارد و از مردم مشورت نمی‌گیرد، مثلاً نمی‌توان گفت اگر پیامبر در جنگ به مردم گفتند «اشيروا علی ایها الناس؛ ای مردم، به من مشورت بدهید»، می‌خواستند فقط به قدر تمندان حکومت بگویند من پیامبر هم مشورت می‌گیرم؛ من این طور فکر نمی‌کنم. من فکر می‌کنم حضرت می‌خواستند همه ما را در هر جایگاهی که هستیم، از استبداد نجات دهند. این جمله، انگشت اشاره به سوی همه مردم دارد، به مردها و زن ها که اهل مشورت گرفتن از خانواده باشند، به معلم ها که در آموزش، اهل مشورت گرفتن از دانش آموزها باشند، به هر کسی که زیردستی دارد و اندک قدرتی.

انگیزه و نشاط جامعه

شرایط انتخابات را دیده اید؟ همه هیجان دارند، همه دلشان می‌خواهد نامزدی که فکر می‌کنند بهتر است، رأی بیاورد و بحث و استدلال می‌آورند و خلاصه همه برای انتخاب بهتر تلاش می‌کنند. انتخابات یعنی مشورت گرفتن از خرد جمعی و همین مشارکت دادن مردم، باعث ایجاد انگیزه و نشاط جامعه می‌شود. این رأی و نظر داشتن، اعتماد به نفس مردم را زیاد می‌کند و از همه مهم تر، باعث پرورش فکری جامعه می‌شود. این مشورت گرفتن از مردم در سیره رسول... به تکرار دیده شده است، مثلاً در شروع جنگ بدر یا هنگام تصمیم گیری در مورد اسرای جنگی یا حتی درباره نام گذاری پیمان، با مردم یا صاحبان مشورت می‌کردند و خطاب به مردم می‌فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ وَلِيَ مِنْ أَفْرَكُمْ شَيْئًا فَلْيُشَاوِرْ قَبِيه، ای مردم! هر که بر امری از امور شما ولایت و حکومت یابد، باید در آن امر مشورت کند.»



مهدی دهقان
نویسنده و ژورنالیست دینی

ضمانت رسول مهربانی (ص)

برای موفقیت و پیشرفت چیست؟

این رو عاقل ترین افراد، کسانی هستند که به مشورت، بیش از دیگران اهتمام می‌ورزند. در مشورت، منافع بسیاری نهفته است که اگر به صورت درست نهفتگی از آن استفاده شود، از بروز بسیاری از مشکلات، پیشگیری خواهد شد. در آموزه های دینی و معارف اسلامی، «مشورت» ضامن موفقیت است. در سیره رسول خدا (ص) مشورت یک اصل برجسته است که در حیات و تمدن مسلمانان به یادگار مانده است.

مطالعه احادیث مرتبط با موضوع مشورت در سیره رسول خدا (ص) نشان می‌دهد که مشورت در تصمیم گیری های مهم اجتماعی و فردی نقش محوری داشته است. محورهای کلیدی این احادیث بر اهمیت بهره گیری از نظر دیگران برای رسیدن به رشد و هدایت، برکت یافتن کارها از طریق مشورت و لزوم تکیه نکردن صرف به رأی فردی تأکید می‌کنند. در برخی روایات تصریح شده است که هیچ فردی با مشورت جویی، از راه درست منحرف

راه مبارزه با نفس

یکی از راه های مبارزه با نفس همین مشورت کردن است. حتما چشمانتان را گرد کردید و می‌گویید چه ربطی دارد به خود سازی و مبارزه با نفس؟ بگذارید ربطش را اول از زبان رسول... بگویم: «لَا تُكَذِّبُ الرَّأْيَ إِلَّا الْخَقِيذُ، جز انسان کینه توز و خود خواه، کسی با رأی و مشورت، مخالفت نمی‌ورزد». این یعنی اگر مشورت کنیم، نه تنها راحت تر به راه حل درست می‌رسیم، بلکه از خود خواهی نیز دور می‌مانیم؛ یعنی خودمان را از ورطه آدم هایی که فقط خودشان را قبول دارند و هیچ کس را جز عقل و نظر خود حساب نمی‌کنند، بیرون کشیده ایم.

جوان و فکر نو

از مشورت با آدم های با تجربه گفتیم؛ از اینکه فکرها ی عمیق تری دارند، چون سرد و گرم روزگار چشیده اند ولی نباید از یک نکته غافل بمانیم. آن هم نظر خواستن از جوانان است. درست است که جوان، تجربه آدم مسن را ندارد اما فکر نو دارد. پیامبر بارها و بارها از جوانان مشورت می‌گرفتند. یکی از مشاوران اصلی رسول... (ص) حضرت امیرالمؤمنین (ع) بودند که در آن زمان جوان بودند. مشورت کردن با جوانان نه تنها به احساس کرامت و عزت نفس آن ها می‌انجامد، بلکه باعث تزریق ایده های جدید و به روز می‌شود.

نمی‌شود و مشاوره سبب هدایت به سوی تصمیم صحیح می‌شود. همچنین، در سیره عملی پیامبر اکرم (ص) آمده است که ایشان در وقایع سرنوشت ساز با اصحاب و افراد معتمد خود مشورت می‌کردند و همین امر، عامل موفقیت و انسجام جمعی می‌شد.

رسول مهربانی و رحمت جهانی در این باره می‌فرمایند: «مَا تَسْتَعْنِي رَجُلٌ غَن مَشُورَه، هیچ فردی از مشورت بی نیاز نیست.» (نهج الفصاحه، ص ۴۹۷، ج ۱۶۳۷). در حدیثی دیگر می‌گویند: «مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِّنَ... فَإِذَا أَسَارَ عَلِيكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَأَبَاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَقْلَ؛ مشورت کردن با عاقل خیرخواه، مایه هدایت و مېمنت است و توفیق است از جانب خداوند، پس هرگاه خیرخواه عاقل تو را راهنمایی کرد، مبادا مخالفت کنی که موجب ناپودی می‌شود» (محاسن، ج ۲، ص ۴۵).

در دیگر احادیث نبوی آمده است: «لَا مُظَاهَرَه، أَوْ تَقِي مِنَ الْمُشَاوَرَه، هیچ پشتیبانی و حمایتی، استوارتر از مشورت نیست» «مَا مِيزَ رَجُلٌ مُّشَاوَرُ أَخَدًا إِلَّا هَدَىٰ إِلَيْهِ الرُّشْدُ؛ هیچ انسانی نیست که با کسی مشورت کند مگر آنکه به راه درست رهنمون شود.» رسول خدا (ص) در این باره تأکید کرده اند: «الْحَزْمُ، أَنْ تَسْتَشِيرَ ذَا الرَّأْيِ وَ تُطِيعَ أَمْرَه، احتیاط و دوراندیشی آن است که با صاحب نظر، مشورت و به نظر او عمل کنی».

